

گفتگو با آیت‌آیه شیخ ناصر مکارم شیرازی

گفتگو با آیت‌آیه مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

□ با تشکر از استاد به عنوان او^{لیل}ین سؤال بفرمایید برخی به مسأله تحریف قرآن دامن می‌زنند.
دیدگاه عالمان شیعه و سنی در این باره چیست؟

■ من معتقدم سه دسته هستند که مسأله تحریف را دامن می‌زنند، یک دسته دوستان نادان، کسانی که تصور می‌کنند اگر ما قائل به تحریف بشویم، به اسلام خدمت کرده ایم یا به ولایت خدمت کرده ایم، در حالی که در اشتباه به سر می‌برند. ولایت وقتی پا برجا می‌ماند که نبوت پا برجا باشد، نبوت هم وقتی پا برجاست که قرآن پا برجا بماند. اگر بنا شود ما اساس قرآن را متزلزل کنیم، اساس نبوت و به دنبالش اساس ولایت، هر دو متزلزل می‌شود.

اینها دوستان نا دانی هستند که به تحریف قرآن دامن می‌زنند. دسته دو^م که به تحریف قرآن دامن می‌زنند، دشمنان دانا هستند که می‌خواهند قول به تحریف را از خود مسلمانها بگیرند و منتشر کنند و بگویند قرآن مسلمانها هم امثال خویش را از دست داده است. همان گونه که تورات و انجیل تحریفات زیادی پیدا کرده و امثال

خودش را از دست داده است، قرآن هم همین طور است. این هم یک دسته هستند که دارند این کار را می‌کنند. دسته دیگر هم کسانی هستند که می‌خواهند به مذاهب مخالف خودشان در اسلام بر چسب بزنند. مثلاً گروهی از وهّابیها هستند که می‌گویند شیعه معتقد به تحریف قرآن است. اینها برای این که برچسبی بزنند و به گمان خودشان شیعه را از دور خارج کنند، این ادعاهای آورند. ولی قرآن را از دور خارج می‌کنند، اسلام را از دور خارج می‌کنند.

اینها افراد متعصبی هستند که به گمان خودشان می‌خواهند برای مذهب و هایدّت پایگاهی درست کنند، غافل از این که اسلام را از ریشه متزلزل می‌کنند. من معتقدم اینها همه، افرادی هستند منحرف، گاه دوستان نادان، گاه دشمنان دانا و گاه آنها یی که می‌خواهند به مخالفین خود برچسب بزنند. امّا واقعیت مسأله این است که اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه و اکثریت قریب به اتفاق علمای اهل سنت معتقدند قرآنی که الان در دست ماست، همان قرآنی است که در عصر رسول خدا صلّی الله علیه و آله بوده، نه یک کلمه زیاد، نه یک واو و الف کم، نه یک واو والف زیاد. اقلیّتها یی هستند در میان دانشمندان شیعه و یک اقلیّتها یی هم در میان علمای اهل سنت که این دو اقلیّت ناچیز قائل به تحریف بودند محقّقان هم حرف اینها را متروک دانسته اند.

پس محقّقان دو گوره به عدم تحریف معتقدند، یک عدّة کم و شاذّی قائل به تحریف شده اند. این واقعیت مطلب است. هر چه هم غیر از این گفته می‌شود، برچسب چسباندن است و تعصّبات بیجاست و مسائلی است که با واقعیتهاي تاریخي سازه ای نیست.

□ برای روشن شدن موضوع توضیح بفرمایید که آیا کسی هست قرآن موجود را محرّف بداند ؟

■ قرآن موجود را محرّف دانستن، به این معنا که چیزی اضافه شده باشد، هیچ کسی معتقد نیست. یعنی احدی از علمای هیچ کدام از فرق اسلامی نمی‌گوید در این قرآن یک چیز اضافه است. آنها یی هم که قائل به تحریف هستند که محدود افرادی از فریقین هستند، کسانی هستند که معتقدند چیزی از قرآن کم شده،

نمی‌گویند چیزی بر قرآن اضافه شده است.

□ با روایاتی که در مورد تحریف قرآن از شیعه و سني نقل شده چگونه باید برخورد کنیم؟

■ روایات تحریف قرآن – همان طور که ما در بحث اصول هم مفصل گفتیم و در کتاب «انوار الاصول» هم مفصل چاپ شده – چند گروه است :

بعضی از این روایات ناظر به تفسیر قرآن است، وقتی می‌گوید : قرآن علی علیه السلام فلان مقدار بود، خیلی بیشتر از قرآن فعلی بود، این معنا یش این است که علی علیه السلام متن قرآن را نوشته، تفسیرهای پیغمبر صلّی الله علیه وآل‌هی وسیده نداشت، شأن نزولها را نوشته، عام خاص قرآن را نوشته و ناسخ و منسوخ قرآن را نوشته. روایت این معنا را می‌گوید.

حضرت علی صلّی الله علیه وآل‌هی وسیده با این خصوصیات نوشته، نه این که قرآنی غیر از این قرآن بوده باشد. بنا بر این، گروهی از روایات ناظر به مجموعه‌های تفسیری قرآن است، مجموعه‌های شأن نزولی، عام و خاص، مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ قرآن است. این دلیل بر تحریف نیست. بعضی اشتباه کردند و خیال کرده اند اینها دلیل بر تحریف قرآن است.

طاائفه دو^{می} از روایات اشاره کننده به تحریف هست که زمینه ای بر تحریف

—(520)—

معنوی قرآن است، یعنی قرآن را بد تفسیر کردن. فرض کنید ما آیه ای در قرآن مجید داریم که می‌فرماید : **﴿خَلَقَ لَكُمْ مِّا فِي الأَرْضِ جَمِيعاً﴾** هر چه در روی زمین است، خدا برای شما آفریده. بعضی ها آمدند تحریف معنوی کردند گفته اند معنا یش این است که همه چیز مشترک است و این آیه دلیل است بر الغای مالکیت شخصی و خصوصی. در حالی که قرآن وقتی می‌گوید : «خداؤند همه چیز زمین را برای شما خصوصی در حالی که قرآن وقتی می‌گوید : «خداؤند همه چیز زمین را برای شما آفریده » معنا یش این است که در خدمت شما است، حالا این در خدمت بودن گاهی به صورت املاک عمومی است، گاهی مملک دولتی است، گاهی مملک خصوصی است. آنها می‌گویند که هیچ منافاتی ندارد که ما از این معنای خدمت، اشتراکیت و کمونیسم

در بیاوریم. این تحریف است، منتها نه تحریف لفظی. آیا الفاظ آیه را عوض کرده ایم؟ نه بلکه تحریف معنی است، آیه را بد تفسیر کردیم. گروههای زیادی بودند در طول تاریخ اسلام که قرآن را تحریف معنی کردند.

آنها ۱۰۰۰ فُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَمِدْنَا وَاسْمَاعُهُمْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَةَا لَيْهَا بِأَلْسُنَتِهِمْ وَطَعْنَةَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَرَهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَاعُهُمْ وَأَقْوَامُ وَلَكِنْ لَعَذَّهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا بودند. آیات را به گونه دیگری معنا می کردند که قسمتی از روایات تحریف هم ناظر به این است. بخش سوّمی از روایات تحریف هم هست که آن روایات، روایات مجھول و دروغی است و راویانش افراد بی اعتبار کاذبی بودند. مثلاً یک راوي داریم بنام سیدّاری که قهرمان روایات تحریف است. این سیدّاری که قهرمان روایات تحریف است. این سیدّاری قسمت مهّمی از روایات تحریف را نقل کرده که حاجی نوری هم در کتابش زیاد از او روایت آورده و این شخص، شخصی است بی اعتبار، کذّاب، دروغگو، غیر قابل اطمینان.

اگر روایات او را در باب تحریف جمع کنیم، خیلی زیاد می شود و قرائی کذب هم گاهی در این روایات هست. مثلاً روایتی داریم که دست هر کس بدھند، می گوید این دروغ است. و آن روایت این است که سؤال کردند از آیه شریفة قرآن : ۱۰۰۰ خَفْتُمْ أَلَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَةِ فَإِنْ كِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَةً وَثُلَاثَةَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خَفْتُمْ أَلَا تَعْدُلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَا تَعْوُلُوا اگر می ترسید درباره یتیمان

—(521)—

ظلم کنید، بروید بازنان پاکیزه ازدواج کنید. خوب صدر آیه در باره یتیمان است، ذیل آیه در باره ازدواج با زنان پاکیزه است. این دو مورد به گمان عده ای با هم ارتباط ندارد.

روایتی هست که — البته ما می گوییم این روایت دروغ است — که حضرت علیه السلام فرمود: بیش از ثلث قرآن بین این دو حمله بوده که ساقط شده. اکثر از ثلث قرآن یعنی ده جزء؛ یعنی به اندازه ده جزء بین این دو جمله شرطیه و جمله جزا بیه بوده، که حذف شده. قرآنی که مرتب ختم می شد، قرآنی که حافظان بی شمار در کشورهای اسلامی از زمان پیامبر صلّی الله علیه و آله داشت، یک چنین قرآن بی صاحب

نیوود که ده جزئش یک مرتبه حذف شود و اثرباره از آثارش هم اصلاً نباشد. این دروغ مغض است. بین این شرط و جزا رابطه هست، اشاره به دختران یتیم است. می‌رفتند دختران یتیم را ازدواج می‌کردند، متدهم می‌شدند بخاطر پولش. می‌فرماید: با دختران یتیم پولدار اگر می‌ترسید ازدواج کنید بخاطر پول و حیف و میل اموال آنها، بروید سراغ زنان پاکیزه دیگر که کبیره هستند.

بنابراین اگر می‌ترسید از این که اموال دختران یتیم را حیف و میلی کرده باشید، بروید با زنان دیگر ازدواج کنید؛ در این آیه شرط، جزا و پاداش کاملاً با هم می‌سازد. حالا روایتی که می‌گوید اکثر از ثلث قرآن، بیش از ده جزء قرآن بین این دو جمله بوده است و حذف شده، امثال این روایت دروغ است، و یک محقق نباید روایات تحریف را یک کاسه کند، باید اینها را از هم جدا کند، موقعیت هر یک را ببیند و در باره اش قضاوت کند.

□ بعضی از مستشرقین و بعضی از علمای متعصب اسلامی سعی دارند تحریف قرآن را اثبات کنند، به نظر شما اینها چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

—(522)—

■ وام^{۳۰} مستشرقین که این کار را می‌کنند، پیداست که اینها عداوت و دشمنی با اسلام دارند و واقعاً می‌خواهند اسلام را متزلزل کنند. می‌دانیم که قرآن، همه چیز ماست. قرآن قانون اساسی ماست، اعتقاد ماست، احکام ماست، اخلاق ماست، تاریخ اسلام است، همه چیز ما در این قرآن است. اگر قرآن را داشته باشیم همه چیز داریم، قرآن را از دست بدھیم، همه چیز را از دست می‌دهیم و دشمن هم درست هدف گیری کرده، قلب اسلام یعنی قرآن را. پیداست آنها می‌خواهند قلب اسلام را هدف گیری کنند که قرآن را زیر سؤال می‌برند. وام^{۳۱} بعضی از متعصبهاین. واقعاً باید با نهایت معذرت عرض کنم که اینها افراد جاہل و ساده ای هستند که به گمان خودشان دارند خدمت می‌کنند، در حالی که بزرگترین خیانت را انجام می‌دهند، به گمان خودشان دارند خدمت می‌کنند، در حالی که بزرگترین خیانت را انجام می‌دهند، به گمان این که می‌خواهند شیعه را از دور خارج کنند، کل^{۳۲} اسلام را دارند ویران می‌کنند. خدا این افراد نادان را هدایت کند. آنها بی‌خبرند، که با دست خودشان تیشه به ریشه اسلام می‌زنند، عجب این است که علمای شیعه مرتب می‌گویند: ما قائل به تحریف نیستیم، کتابها یمان را ببینید. قرآنی که پیش ماست همان قرآن شماست و هیچ فرقی نمی‌کند. بارهم می‌گویند: شیعه قرآن دیگری دارد.

کسی که بعد از تکذیب علماء بازهم می‌گوید، پیداست آدم نادرستی است. من یک جریانی که برای خودم

واقع شد، بگوییم که یک سند است. ما مشّرّف شده بودیم به مکة معظّمه، در یک سفر عمره بود. یکی از دوستان می گفت که اگر مایل باشید با وزیر امور مذهبی حجاز ملاقاتی داشته باشید. گفتیم عیب ندارد. رفتیم این آقای وزیر را ما دیدیم که یکی از علمای قدیمی حجاز بود. در ضمن بحث راجع به مسأله وحدت و اتحاد شیعه و اهل سنت و همکاری با هم حرف زدیم. این آقا یعنی کسی که به اصطلاح بزرگترین مسؤول مذهبی آن جاست، از یک مسأله واضح بی خبر بود و پرسید: «سمعت

—(523)—

ان لكم مصحفاً غير مصحفنا» من شنیدم شما یک قرآنی دارید، غیر از قرآن ما ! گفتم کدام قرآن ؟ گفت : مصحف فاطمة. مصحف فاطمه «سلام الله عليها» شما این چنین قرآنی دارید. من بلا فاصله به ایشان گفتم : که آقا آزمایش این معنا خیلی آسان است. شما اگر خودتان می آید، با هزینه ما، ما دعوتتان می کنیم. برویم ایران، نه، یک نماینده با ما بفرستید، تمام مساجد قرآن دارد، در تمام خانه ها قرآن هست.

انتخاب مسجد، انتخاب خانه به دست شما .

در می زنیم در تهران هر خانه ای را خواستید، قرآنشان را ببینیم، صد تا، هزار تا خانه، قرآنهاي ده تا، صد تا مسجد را نگاه می کنیم. اگر یک قرآن یک «و» کمتر یا بیشتر از این داشته باشد، شما این را بگویید و الاً ادعا نکنید. مصحف فاطمه ربطی به قرآن ندارد، سخنانی بود که ملک همان گونه که فرشتگان با مریم مادر عیسی علیه السلام سخن می گفتند، ما معتقدیم با فاطمة زهرا علیها السلام سخن می گفتند و این سخنان را علی علیه السلام نوشت.

آن هم مربوط به احکام و عقاید نبود. خبرها یی از گذشته و آینده در آن بود. این مصحف فاطمه علیها السلام است، آن هم نزد ائمه معصومین علیهم السلام است، نزد ما هم وجود ندارد. بنا براین مصحف فاطمه علیها السلام چه ربطی به قرآن مجید دارد؟ حالا ما این را می گوییم آزمایش آسان است، باز هم می گویند. این تعصّب ولجاجتی است که بعضی را گرفته و خیال می کنند شیعه ها را با این وسیله می شود از میدان به در کرد:

یکی مسأله تحریف قرآن و یکی هم مسأله مربوط به احترام صحابه. در حالی که هر دو اشتباه است و تحریف قرآن را ما قائل نیستیم، بارها هم گفتیم، در کتابها یمان هم نوشتم، برای آنها هم ننوشتیم

هم یک اقلیّتی دارند که قائل بودند، اینها هم یک اقلیّتی دارند. نه قول این اقلیّت اعتبار دارد، نه قول آن اقلیّت. بنا بر این اصرارها ناشی از این سرچشمه هایی است که عرض کردم.

□ با این که محققان از شیعه و اهل سنت قائل به عدم تحریف قرآن هستند، چگونه بعضی از ناآگاهان و متصرّبان فرق اسلامی این مسأله را وسیله‌ای برای تفرقه قرار دادند؟

■ من عقیده ام این است که باشد سعی کنیم فرهنگ فرق اسلامی را بالاتراز این که هست، ببینیم، مشکل همیشه مشکل فرهنگی است.

بی خبری، نا آگاهی، نادانی، و تعصبات ناشی از این جهل و نادانی؛ اینها دامن می زنند. اگر ما سعی کنیم از طرق مختلف سمینارها یی بگیریم، علمای فریقین را جمع کنیم، کتابها و مجلات و مقالات را... این او اخر در مسأله حفظ و قرائت قرآن، خیلی خوب جوانان شیعه ما می درخشند، همین مقدار زیادی سوء تفاهم را کم کرده. چرا؟ به علت این که آنها می گفتند: اصلاً شیعه ها هیچ رابطه‌ای با قرآن ندارند، هیچ علاقه‌ای به قرآن ندارند. اما یکوقت می بینند حافظان قرآن شیعه هستند و بهترین قاریان قرآن در مسابقات از میان شیعه ها برخاسته اند. اگر ما این رفت و آمدها را داشته باشیم، اختلافات کم کم بر چیده می شود.

□ به نظر شما قرآنی که علی علیه السلام نوشته اند، چه فرقی با نسخه های فعلی قرآن دارد؟

■ هما نطور که من عرض کردم، آن که علی علیه السلام نوشته اند، هیچ تفاوتی با قرآن امروز نداشت، جز

در این چیزی که عرض می کنم : علی علیه السلام شأن نزولها را نوشه بودند، ناسخ و منسوخها را نوشه بودند، عام^۱ و خاصها را نوشه بودند، تفسیر هایی که پیغمبر

—(525)—

اکرم صلّی الله علیه وآل‌ه وسلم فرموده را نوشه بودند، به ترتیب نزول نوشه بودند، یعنی شاخ و برگها یی به تعبیر امروز «علوم القرآن» ضمیمه بود. مثل این که یک قرآن در متن بنویسیم، اطراflash شان نزولها و عام وخاص و تفسیرات و علوم القرآن بنویسیم، والا در متن قرآن یک واو با این قرآنی که ما داریم تفاوتی نداشت.

□ کتاب جفر و جامع که علی علیه السلام تنظیم کرده و نزد ایشان بوده، با قرآن چه تفاوتی داشت؟

■ جفر و جامع هیچ ارتباطی با قرآن ندارد. بطوری که از روایات استفاده می شود، پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآل‌ه وسلم احکامی را به علی علیه السلام دیکته کرده و علی علیه السلام نوشه. اینها را علی علیه السلام جمع کرد. در واقع این سند است.

اسم این در بعضی از روایات شاید «جامعه» گذاشته شده، بنا براین، جفر و جامعه مربوط به سنت پیغمبر صلّی الله علیه وآل‌ه وسلم است نه این که مربوط به قرآن باشد، جمع آوری سند است که من امیدوارم ان شاء الله الرحمن یک مقدار بیشتر روی این مسائل کار شود.

اینها چیزهایی است که دشمن شدیداً رویش کار می کند. ما اگر بخواهیم وحدت مسلمین را حفظ کنیم و ضربات صهیونیسم را دفع کنیم و جلوی تهاجم فرهنگی را بگیریم، باید بازگشت به قرآن کنیم، همان گونه که محققان گفته اند، اصالت قرآن را بپذیریم ز ما هر چه داریم از قرآن است و بازگشت به قرآن همه چیز به ما می دهد و شرط اولش هم این است که بدانیم قرآن تحریف نشده، اصالت قرآن همچنان حفظ شده. قرآن چهارده نفر و به روایتی حدود 39 الی چهل نفر کتاب وحی داشته. نازل که می شد آن را می نوشتند. این چنین کتابی را نمی شود تحریف کرد. در بعضی از جنگها داریم که سیصد نفر از حافظان قرآن شهید شدند. چقدر حافظ قرآن بوده که سیصد تن در یک

—(526)—

میدان جنگ حضور داشته اند ؟ پس این کتاب امکان ندارد تحریف شده باشد، منتها باید مقدار زیاد به مردم آگاهی بدھیم، تا ان شاء الله بتوانیم اساسیترین پایه دینی را حفظ کنیم.

ان شاء الله